

مسئولیت مدنی بانک‌های ورشکسته در قبال بدهی‌ها و سپرده‌های مردم

دکتر علی رستمی*

مهدی غلامی سرتنگ**

چکیده

این مقاله با ابزار کتابخانه و روش تحلیل محتوا مسئولیت مدنی بانک‌های ورشکسته در قبال بدهی‌ها و سپرده‌های مردم و لزوم اصلاح نظام جاری ورشکستگی بانکی را مورد بررسی قرار می‌دهد و پیشنهادهایی به منظور کارآمد سازی آن ارائه می‌گردد. اساساً نقش آفرینی دولت در فرآیند ورشکستگی مؤسسات مالی یکی از مهم‌ترین مداخلات لازم به منظور مدیریت انتظارات سپرده‌گذاران و ثبات بخشی به نظام بانکی کشور به شمار می‌رود. با توجه به تبعات زیاد ورشکستگی بانک‌ها بر اقتصاد ضروری است که دولت‌ها تدابیر خاصی را به منظور پیشگیری از نکول و ورشکستگی بانک‌ها اتخاذ نمایند.

کلید واژه‌ها: مسئولیت مدنی، بانک‌های ورشکسته، بدهی‌ها، سپرده‌های مردم

مقدمه

در قوانین کشور نیز علاوه بر قوانین عام ورشکستگی شرکتی، شرایط ویژه‌ای به منظور حل و فصل مسائل مربوط به ورشکستگی بانک‌ها در نظر گرفته شده است. اما عدم انسجام، نواقص متعدد و فقدان منطقی یکپارچه به عنوان پشتوانه نظری قوانین موجود، تدوین یک قانون جامع در این حوزه را ضروری ساخته است. منابع مسئولیت مدنی بانک در مقابل مشتریان، قوانین و مقررات عام و

arq119@gmail.com

* عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم - ایران

1519gholami@gmail.com

** دانشجوی حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم - ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۳



خاص از جمله مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۵ قانون پولی بانکی کشوری باشد. مسئولیت متقابل بانک و مشتری فروض مختلفی دارد از جمله اینکه؛ اگر عملیات بانک و کارکنان وی موجب ورود خسارت به مشتری گردد منبع تأمین خسارت چه کسی است، و دیگر اینکه خود مشتری به عنوان استفاده کننده از خدمات بانکی در حالت قراردادی و غیر قراردادی چه مسئولیتی دارد. بانک ممکن است به دلیل فعل کارمندان خود و یا عاملی که دفع آن خارج از اقتدار وی و غیر قابل پیش بینی بوده مسئول تلقی نشود. بر حسب اینکه بانک، دولتی یا خصوصی باشد بدون در نظر گرفتن ماده ۳۵ قانون پولی بانکی کشوری با توجه به مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی و حاکمیت قوانین خاص در بانک دولتی و خصوصی، مسئولیت متقابل بانک و مشتری و نحوه جبران خسارت متفاوت خواهد بود.

یکی از مهمترین سازمان‌هایی که در جامعه امروز وجود دارد بانک است. بانک‌ها امروزه به صورتی در زندگی روزمره افراد جامعه قرار گرفته‌اند که تصور زندگی بدون بانک محال به نظر می‌رسد و همانطور که می‌دانید، بانک‌ها به مثابه شاهرگ‌های اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند. این سازمان عظیم و قدرتمند در تمام جوامع پیشرفته و عقب افتاده به عنوان قدرت نفوذ، اقتدار و یا هر عامل قدرت در تمامی جوامع نقش بازی می‌کند و کمتر شخصی را می‌توان یافت که در کارهای روزمره خود به نحوی با بانک و عملیات بانکی سروکار نداشته. (عبدی‌پور، ۱۳۹۲). این مقاله به بررسی مسئولیت مدنی بانک‌ها در قبال بدهی و سپرده‌های مردم می‌پردازد.

بحث اصلی و تحلیل

به صورت عام اصطلاح ورشکستگی به نکول بنگاه بدهکار در بازپرداخت دیون خود اطلاق می‌گردد. در ادبیات حقوقی دو از تعریف ورشکستگی ارائه شده است. در تعریف اول که همپوشانی بیش تری با اطلاق فوق دارد، ورشکستگی ناتوانی از بازپرداخت بخشی از تعهدات در زمان سررسید آن‌ها گفته می‌شود. در تعریف دوم ورشکستگی به وضعیتی از ترازنامه اطلاق می‌گردد که طی آن مجموعه تعهدات بنگاه از مجموع دارایی‌های آن پیشی گرفته و در واقع خالص دارایی‌های آن منفی گردد. بر این اساس نکول بدهکار لزوماً به معنای ورشکستگی نبوده و



وضعیت ترازنامه آن در بلندمدت تعیین کننده ورشکستگی بنگاه خواهد بود. بر اساس قانون تجارت، از آنجایی که ورشکستگی به توقف از تأدیه دیون اطلاق می‌گردد، با توجه به نکات فوق مجموعاً به نظر می‌رسد که اولاً در قانون تجارت و قوانین مرتبط کشور تعریف دقیقی از مفهوم ورشکستگی شرکتی ارائه نگردیده است. ثانیاً قانون‌گذار تمهیدات خاصی جهت تفکیک شرایط ورشکستگی بین بانک‌ها و سایر شرکت‌های موضوع قانون تجارت قائل نشده است. موارد خاص ذکر شده در قانون پولی و بانکی نیز صرفاً ناظر به نقش مشورتی بانک مرکزی در کنار دادگاه صادرکننده حکم، حضور در فرایندهای اجرایی ورشکستگی از جمله تعیین کمیته نظارت و انحلال و در نهایت تبیین جایگاه سپرده‌گذاران به عنوان یکی از طلبکاران ممتاز می‌باشد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت اولاً مفهوم ورشکستگی در قوانین کشور با ابهام مواجه بوده و ثانیاً با توجه به عدم تفکیک مشخص حقوقی بین مؤسسات مالی و سایر شرکت‌ها، ابهام موجود در قانون تجارت به ورشکستی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز تسری می‌یابد.^۱

جبران خسارت

اثر مهم مسئولیت مدنی حق جبران خسارت است. در حقیقت، به استناد این حق زیان دیده می‌تواند به فاعل زیان برای مطالبه‌ی زیان وارده مراجعه کند اما، مراجعه به عامل زیان اثر مستقیم مسئولیت مدنی نیست بلکه حق جبران خسارت اثر مستقیم محسوب می‌شود که در این حالت زیان دیده مختار در مطالبه‌ی خسارت یا عدم مطالبه و حتی بخشش آن است.^۲ حق جبران خسارتی که برای زیان دیده به وجود می‌آید مبتنی بر اصولی است که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

بند اول: اصل لزوم جبران کامل خسارت

اصل لزوم جبران خسارت مطابق حکم شرع، قانون، عقل و عرف وسیله‌ای برای حفظ مصالح اجتماعی و جبران زیان‌های ناروا است و همانطور که در ماده ی یک ق. م. م مقرر شده (هر کس

^۱ Resolution

^۲ باریکلو، پیشین، ص ۲۰۸



بدون مجوز قانونی... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. (بنابراین، هدف از مسئولیت مدنی تعیین مسؤل پرداخت خسارت است تا زبانی که به ناروا به شخص یا اشخاص تحمیل شده است جبران گردد. بنابراین اصل قطعی در مسئولیت مدنی، الزام مقصر به جبران خسارت است و بدون رعایت این قاعده، مسئولیت مدنی موضوعیت ندارد. تن‌ها وجه ممیزه و فارق مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی نیز همین اصل است. اما ضرر و زبانی قابل مطالبه می‌باشد که عرف و یا قانون آن را ضرر تلقی نموده است. در واقع، ضرر نامتعارف و غیر مشروع از ارکان مسئولیت است و خساراتی که عرفاً قابل اعتناء نیست و یا قانون آن را مباح می‌داند موجب تعهد و ضمان نمی‌باشد. لیکن چنانچه ضرر محقق گردد، ضرر وارده اعم از مادی و معنوی به همان نحو که قانون مسئولیت مدنی نیز بر آن تاکید نموده است، قابل مطالبه می‌باشد.^۱ شرط برقراری مسئولیت جبران خسارت در نظام حقوقی فرانسه با ضوابط معمول در حقوق ایران مشابهت دارد. حسب ماده‌ی ۱۳۸۲ ق. م فرانسه، اگر چه هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند برای مطالبه‌ی غرامت به دادگستری مراجعه نماید اما، پرداخت خسارت موکول است به اینکه ثابت شود اولاً؛ واردکننده‌ی زیان مرتکب تقصیر شده است ثانیاً؛ خسارت نتیجه‌ی مستقیم همان تقصیر است ثالثاً؛ تحصیل و ارائه‌ی دلایل مزبور نیز بر عهده مدعی است.

اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز در این رابطه مقرر می‌نماید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» در خصوص این اصل گفته شده؛ اعمال آن از جهتی موجب رفع آثار سوء فعل زیانبار از زیان‌دیده می‌شود و او حداقل در جبران خسارت مالی در وضعیت قبل از فعل زیانبار قرار می‌گیرد. دوم اینکه، موجب عدم امکان سوء استفاده وارد کننده‌ی زیان و اشخاص سودجو می‌شود.^۲ مطابق با این اصل، خساراتی که عرف آن‌ها را قابل

^۱ کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، صص ۱۶۲ و ۱۶۴، چاپ

۱۳۷۸ و حسینقلی حسینی نژاد، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، بهار ۱۳۷۶.

^۲ همان، ص ۲۱۰.



جبران می‌داند باید به صورت کامل از طرف کسی که عرف ورود آن خسارات را به وی منتسب می‌داند، جبران شود. زمانی که عامل ورود زیان یا اشخاص دیگر ملاحظه می‌نمایند که باید چنین خساراتی را به صورت کامل جبران نمایند و هیچ مسامحه‌ای نیز وجود ندارد، از تکرار چنین اعمال زیانباری خودداری می‌نمایند.

لزوم رعایت توانایی و هزینه‌های عمل زیانبار

مطابق با قواعد کلی مسئولیت مدنی، در صورت احراز شرایط مسئولیت مدنی (فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه‌ی سببیت بین فعل زیانبار و ضرر و زیان وارده) از جانب دادگاه، صدور حکم علیه فاعل زیان قطعی است اما قانونگذار به دادگاه نیز اختیار داده تا وضعیت محکوم علیه را در مواردی در نظر گیرد. در این راستا، ماده‌ی ۲۲۷ قانون مدنی مقرر می‌کند: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط قرار دهد.» این ماده به دادگاه اختیار می‌دهد با توجه به وضعیت مالی متعهد، نسبت به بسیاری از دیون و خساراتی که برای متعهد به وجود آمده و توانایی مالی در پرداخت آن ندارد به صورت اقساطی با در نظر گرفتن وضعیت مالی متعهد، حکم به جبران خسارت دهد. رویه قضایی نیز بر این امر صحه گذاشته و در بسیاری از پرونده‌ها این مقرر را اعمال می‌کند. برای نمونه، پرونده‌های مربوط به مطالبه‌ی مهریه نمونه‌های بارزی از این موارد هستند.

شیوه‌های خاص جبران خسارت قراردادی

به موجب قوانین موجود در حقوق ایران، به طور معمول سه روش تعیین خسارت وجود دارد. روش اول حالتی است که تعیین صریح مبلغ خسارت در قرارداد، قبل از ورود خسارت توسط طرفین در قرارداد درج می‌شود که نوعی وجه التزام است و این تفاوتی اساسی در مسئولیت قهری و قراردادی است. روش دوم؛ تعیین راه و روش ارزیابی میزان خسارت پس از ورود زیان می‌باشد که این روش، روشن‌ترین وضعیت را در سیستم حقوقی ایران دارد. براساس این روش، هر نوع توافقی برای جبران خسارت پس از ورود آن تا وقتی مخالف قانون یا عرف نباشد معتبر است و در مسئولیت قهری و قراردادی مشترک است.



سومین حالت نیز، تعیین میزان و چگونگی جبران خسارت توسط قانون (مانند حکم دادگاه) و یا عرف است که باز هم در دو مسئولیت یکسان می‌باشد. علاوه بر این موارد، در مواد دیگری از قوانین تفاوت‌هایی در آثار مسئولیت قراردادی نسبت به مسئولیت قهری وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

حق حبس

مطابق ماده‌ی ۳۷۷ قانون مدنی: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.» همانگونه که مشخص است، این ضمانت اجرا نتیجه‌ی عدم اجرای مفاد قرارداد، یعنی از جمله جبران‌های تعهدات قراردادی به شمار می‌رود که در حقیقت، با توجه به فلسفه‌ی وجودی آن، نتیجه‌ی همبستگی دو عوض متقابل در قرارداد نگاشته شده است. این ضمانت اجرا در تمام عقود معوض می‌تواند کاربرد داشته باشد. در نتیجه، مصداقی از قاعده‌ی حاکم بر همه‌ی عقود معوض است و بیع نیز به همین عنوان مشمول آن قرار می‌گیرد. در واقع، حکمی مطابق با قاعده و منطبق با ماهیت عقود معوض است و به همین جهت در سایر عقود معوض غیر از بیع وجود دارد.

گروهی^۱ حق حبس را مقتضای ناشی از معاوضه می‌دانند و معتقدند که چون مالکیت برای متعاملین در یک زمان ایجاد می‌شود، به دلیل معاوضی بودن عقد، تقابض نیز باید هم‌زمان انجام پذیرد. بنابراین پیش از آن، التزام به تسلیم وجود ندارد.

گروهی^۲ نیز معتقدند که قبض و اقباض در عقد بیع از احکام عقلایی است و به همین دلیل می‌توان از بیع به اخذ و اعطا تعبیر کرد، زیرا بیع راهی برای دست‌یابی به دو عوض است. بنابراین، هیچ

^۱ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۰ق، ۱۴۴/۲۳.

^۲ الموسوی الخمینی، روح الله، البیع، مطبعه الاداب، ۱۹۷۴م، ۳۷۱ و ۳۷۲. محمد جعفر جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲، ص ۲۲۱.



گونه تقیید و التزامی در نفس معاوضه وجود ندارد و حق حبس صرفاً حقی عقلایی و مترتب بر معاوضه است.

حق خیار

از جمله تفاوت‌های اساسی جبران خسارت در مسئولیت قراردادی نسبت به مسئولیت قهری، حق اعمال اختیارات در مسئولیت ناشی از قرارداد است. با این توضیح، ذوالخیار می‌تواند به استناد اختیاراتی که در مواقع مختلف قانونگذار برای وی قائل است، برای جلوگیری از خسارت یا افزایش خسارات وارد شده در اثر نقص تعهد، معامله را فسخ کند.^۱ به علاوه، محدود کردن دایره‌ی استفاده از این اختیارات نیز می‌تواند تفاوت دیگری در آثار مسئولیت قراردادی نسبت به مسئولیت قهری باشد. این شرط، امروزه در بسیاری از قولنامه‌ها و اسناد به صورت رسم القباله درج می‌شود و حتی دفاتر اسناد رسمی به موجب بخشنامه‌ی ۱۰۹۳-۳۵۱۲۶ صادره از سازمان ثبت، مکلفند کافه اختیارات را از متعاملین سلب نمایند. این در حالی است که برخی نویسندگان شرط اسقاط کافه اختیارات را بی اساس دانسته‌اند. برخی^۲ دیگر، شرط سقوط خیار تفلیس را با نظم عمومی مغایر دانسته و شرط را بی اثر تلقی نموده‌اند. سقوط خیار تدلیس نیز با مخالفت جدی تر حقوقدان‌ها مواجه شده است.^۳ اما اعتبار شرط اسقاط اختیارات در ماده‌ی ۴۴۸ قانون مدنی به صراحت مورد پذیرش واقع گردیده است.

بطلان یا عدم نفوذ قرارداد

علاوه بر موارد فوق، می‌توان از جمله ضمانت‌اجراهایی که در خصوص مسئولیت قراردادی در قانون ریشه دارد به بطلان، عدم نفوذ معامله یا جبران ضرر در اتلاف و تسبیب نیز اشاره کرد. اما ضمانت‌اجراهایی که در توافق و قرارداد بین متعهد و متعهدله ریشه دارد، آن دسته از ضمانت

^۱ سماواتی، حشمت‌الله، خسارات ناشی از عدم تعهد، انتشارات مولوی، صفحات ۲۵ و ۲۶.

^۲ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، ج ۵، ش ۱۰۶۱.

^۳ همان، ش ۹۱۲ و ۱۰۳۲.



اجراهایی است که طرفین معامله، آن‌ها را در ضمن عقد یا قرار داد اصلی خودشان در نظر می‌گیرند. این‌گونه ضمانت اجراها، زمانی مؤثر است که در حمایت قانون قرار داشته باشد به گونه‌های که، طرف متضرر بتواند در مواقع خاص از قوه‌ی قاهره‌ی عمومی به منظور وادار کردن متخلف به ایفای تعهد یا جبران خسارت، استفاده کند.^۱

تعیین وجه التزام

از جمله تفاوت‌های دو مسئولیت قهری و قراردادی، ضمانت اجرای قراردادی «وجه التزام» مندرج در قراردادهاست. به این صورت که معمولاً در قراردادهای تجاری، شرطی گنجانده می‌شود که برطبق آن در صورتی که یکی از متعاملین از اجرای آنچه قرارداد به عهده‌ی وی گذارده است خودداری کند یا به عملی مبادرت ورزد که مطابق قرارداد ممنوع اعلام شده است، باید مبلغی را که در قرارداد معین می‌شود به عنوان خسارت به طرف مقابل پرداخت کند.^۲ شرط مزبور ممکن است فقط به نفع یکی از متعاملین باشد؛ برای مثال فروشندگانی تعهد کند که کالای مورد معامله را در مهلت معینی تحویل مشتری دهد وگرنه مبلغ معینی به وی پرداخت کند. ممکن است شرط، ناظر به منافع هر دوی متعاملین باشد؛ برای مثال در قرارداد بیعی که موضوع آن تحویل چند دستگاه اتومبیل است، قید شود که هر یک از طرفین در صورت تخلف از قرارداد، مبلغی به عنوان خسارت به دیگری بپردازد.

جبران‌های زیان معنوی

خسارت معنوی از جمله خساراتی است که در مسئولیت مدنی (اعم از قهری و قراردادی)، در قرون اخیر مورد توجه قرار گرفته و در واقع اصطلاح شایع و در عین حال پر ابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست زیرا، قانونگذار به صورت جامع اقدام به تعریفی از خسارات معنوی ننموده و در قوانین مختلف به صورت پراکنده به این امر توجه کرده است.

^۱ محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص ۴۹.

^۲ اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت بین‌المللی، نشر دانش امروز، ص ۷۱.



برای نمونه، قانونگذار در تدوین قانون مسئولیت مدنی توجه ویژه‌ای به خسارت معنوی داشته و این قانون از جمله قوانینی است که بیشتر به این نوع خسارت پرداخته است اما، در این قانون نیز خسارت معنوی تعریف نشده؛ بلکه در ماده‌ی ۱ آن به این صورت به آن اشاره شده: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت و یا شهرت تجاری و یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی و معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود خواهد بود.»

به هر حال، شکی در امکان ورود خسارات معنوی به اشخاص نیست به گونه‌ای که حتی در جریان اجرای احکام نیز امکان ایراد این ضرر به کرات وجود دارد. به عنوان مثال، وقتی که موضوع حکم دادگاه نامشخص بوده^۱ مثلاً، موضوع حکم دادگاه الزام یکی از خواندگان به تسویه حساب با یکی دیگر از خواندگان دعوی باشد. در واقع، دادگاه حکمی به نفع یکی از خواندگان دعوی خلاف اصول دادرسی صادر کرده و نسبت به خواسته‌ی خواهان بی تفاوت بوده است. در این صورت، اگر دادگاه اقدام به صدور اجرائیه نماید و از این جهت خسارتی به خواهان وارد شود، مسئول است.^۲ منابع فقهی و مسلم ما نیز به وجود این خسارات اذعان می‌نمایند^۳ و به حکم انصاف و ندای وجدان اینگونه خسارات نیز باید قابل مطالبه باشند.

^۱ مثلاً حکم بدون منطوق، با منطوق غیر مشخص، منطوق مردد بین دو یا چند موضوع و یا اینکه در حکم موضوع و مصادیق آن به سایر اسناد ارجاع داده باشد. (فریدون نهرینی، همان، ص ۸۳-۸۵)

^۲ همان، ص ۸۲-۸۳

^۳ مثلاً در آیه ۲۸۴ سوره بقره می‌فرمایند: «لایضار کاتب و لاشهید» همچنین روایت زراره از امام باقر (ع) راجع به قضیه سمره بن جندب که به روایت لا ضرر نیز معروف است همچنین روایت ابن ابی عمیر که از امام صادق (ع) راجع به رم دادن شتر و بر زمین خوردن راکب آن که حکم جبران خسارات (اعم از مادی و معنوی) صادر فرموده اند... کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یضیبه». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۱۹ باب موجبات ضمان، ص ۱۸۲)



لزوم جبران خسارت معنوی

قانون مدنی به عنوان قانون مادر در امور حقوقی، نامی از خسارت معنوی نبرده و شاید بتوان گفت که در زمان تدوین این قانون جبران خسارت معنوی رایج نشده بود اما با دقت در موادی از این قانون متوجه می‌شویم که قانونگذار مدنی کاملاً غافل از این امر نبوده است. به عنوان مثال، ماده‌ی ۱۳۰ قانون مدنی مقرر داشته: «کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود.» یا ماده‌ی ۱۳۲ آن که قاعده لاضرر را مورد پذیرش قرار داده. همچنین است مضمون مواد ۱۳۳، ۱۰۴۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۱۳۰، ۱۱۱۳۳... اما قانونگذار توجهی به جبران این خسارات نداشته و تن‌ها راه فرار و برون رفت از فضای خسارت را ارائه داده است. مثلاً، ماده‌ی ۱۰۴۳ نحوه‌ی رفع مشکل عدم اجازه‌ی پدر یا جد پدری را که بدون علت موجه از دادن اجازه ازدواج دختر خود، امتناع می‌ورزد را بیان نموده است ولی از نحوه‌ی جبران خسارات ناشی از این عدم اجازه، ذکری به میان نیاورده است. اما قانون مسئولیت مدنی در موارد متعددی به جبران خسارت معنوی تأکید دارد. مثلاً در آخر ماده‌ی ۱ مقرر شده: «... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» یا در ماده‌ی ۳ این قانون، پس از تأکید بر جبران خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده در ماده‌ی ۲، اختیارتعیین میزان زیان ونحوه‌ی جبران آن به عهده‌ی دادگاه گذاشته شده است. مواد ۹ و ۱۰ این قانون نیز به امکان جبران خسارت معنوی از راه‌های مادی تصریح نموده است. به موجب ماده‌ی ۱۰، شیوه‌ی جبران خسارت از طریق الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن پیش بینی شده است. قابل ذکر است، در این خصوص نیز برخی مخالف جبران چنین خسارتی به پول می‌باشند. مثلاً؛ شورای محترم نگهبان در اظهارنظر خود راجع به طرح قانون مطبوعات گفته است: «تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است البته رفع هتک و توهین که به شخص شده به طریق متناسب با آن در صورت مطالبه ذی حق لازم است.»^۱ همچنین، کمیسیون استفتانات

^۱ پرسش و پاسخ کمیسیون استفتاءات و مشاورین حقوقی شورایعالی قضایی، ج ۱، ۱۳۶۳، ص ۳۹۱.



و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی (سابق) اعلام کرده بود: «... مطالبه زیان معنوی فاقد مجوز شرعی است...»^۱. پس شورای نگهبان مطلقاً مخالف جبران خسارت به وسیله پول می‌باشد. در این خصوص، به موادی از قانون آیین دادرسی مدنی نیز می‌توان اشاره کرد. مثلاً در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۲۵ این قانون مقرر شده: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه‌ی دعوا تأخیر در انجام تعهد یا ایداء طرف یا غرض ورزی بوده دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار مدعی را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع طرف متقابل محکوم نماید.» یا در ماده‌ی ۲۷۱ این قانون که مقرر شده: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که دعوی ثالث با تبانی با یکی از طرفین دعوا برای اطاله رسیدگی اقامه شده در صورت محکومیت ثالث به بی حقی دادگاه مکلف است علاوه بر خسارات قانونی او را به دو برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید.» همانگونه که ملاحظه می‌شود، در این قوانین بیشتر به مصادیقی از خسارت معنوی و جبران آن اشاره شده است. این موضوع، در برخی از قوانین دیگر نیز مشاهده می‌شود. مانند، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی (مخصوصاً بخش حدود و دیات مانند مواد ۴۵۰، ۴۵۳، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۸ و ۵۰۹)، قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مقررات مربوط به مطبوعات و مقررات مربوط به سوء استفاده از علامت تجاری، اسم تجاری، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و حق مخترع.

بنابراین، مشخص است که از منظر قوانین داخلی، گرچه در فصل مجزا و طی مقررات مشخصی به این موضوع پرداخته نشده است، اما در لزوم جبران خسارت معنوی، مبنای قانونی وجود دارد و تردید رویه‌ی قضایی نسبت به این امر، اشتباه و غیر قانونی است. لذا، در صورتی که به هر جهت ضرر معنوی به شخصی وارد گردد، مطابق با مواد فوق‌الذکر لزوم جبران آن و حکم به جبران آن کاملاً قانونی بوده و عدم حکم به جبران خسارت معنوی عمل خلاف مقررات محسوب می‌گردد.

^۱ مهرپور، حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۱.



زیرا، ضرورت جبران این گونه خسارات امری مسلم و ثابت شده است و در این رابطه ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی^۱ صراحت داشته و جای هیچ گونه چون و چرایی باقی نمی‌گذارد.

شیوه‌های جبران خسارات معنوی

همان گونه که می‌دانیم، ضرورت جبران خسارت زیان‌دیده از جمله اصول مسلم و اساسی روابط اجتماعی و حقوقی به شمار می‌رود. در فقه اسلام نیز، قاعده‌ی مهم «لاضرر» بر این مهم صحه می‌گذارد.^۲ در حقیقت، محکوم کردن روحیه‌ی تجاوزگری و ارتکاب اعمال زیانبار علیه دیگران،^۳ تأکید بر رعایت و حفظ اعراض و نوامیس انسان‌ها و خودداری از تعدی به حریم دیگران^۴، تأکید بر ضرورت جبران هر گونه خسارت اعم از مادی یا معنوی، از جمله اموری است که می‌تواند تعیین کننده ضرورت فلسفه‌ی جبران خسارات معنوی باشد. بنابراین، برای جبران این نوع خسارات نیز باید راهکارهای ممکن طراحی و تعبیه شده باشد. لذا، ابتدا بررسی قوانین موجود در حقوق ایران، گرچه به صورت پراکنده و ناقص به این موضوع اشاره دارند، مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس، به راه‌های ممکن جهت جبران خسارات معنوی، که ممکن است به طرق مختلف به وسیله‌ی اشخاص و مقامات مختلف (مقامات قضایی، اجرایی، طرفین دعوی و اشخاص ثالث) به طرفین دعوی یا اشخاص ثالث وارد شود، خواهیم پرداخت.

در رابطه با چگونگی جبران خسارات مادی در قوانین، خصوصاً قانون مدنی، روش‌های خاصی مانند حق حبس و استفاده از اختیارات مورد توجه قرار گرفته و از طرف دیگر روش‌های متداول و در عین حال ساده‌ای نیز پیش‌بینی شده است. یعنی، اعاده‌ی وضعیت زیان‌دیده که با استرداد عین،

^۱ «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد»

^۲ کاتوزیان، پیشین، ص ۳۰.

^۳ مراغی، میرعبدالفتاح، العناوین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷. ق، ص ۱۱۴.

^۴ انصاری، مرتضی، مکاسب. تبریز: چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ هـ.ق، ص ۳۷۲.



مثل یا قیمت آن به ترتیب مورد عمل واقع می‌شود. در خصوص نحوه جبران خسارت معنوی، همانگونه که در بالا نیز ذکر گردید، شیوه و روش متحدالشکل و رویه‌ی واحدی وجود ندارد.

منع تکرار فعل زیانبار

از جمله شیوه‌های جبران زیان معنوی در قوانین ما، سه موردی که در بندهای آتی مورد تکرار قرار می‌گیرد، بیشتر مورد توجه قانونگذار بوده است و به این جنبه از شیوه جبران کمتر توجه شده است و اگر در جایی متعرض این مطلب شده است، به جهت مصدود نمودن راه ایراد ضرر است. لذا، به نظر می‌رسد قانونگذار به این مهم که جلوگیری از ادامه‌ی ورود ضرر نوعی جبران زیان است، توجهی نداشته است. گرچه، می‌توان از جهتی مدعی شد که این روش را نمی‌توان جبران خسارت دانست زیرا، جبرانی در این روش اتفاق نمی‌افتد بلکه تن‌ها از ایراد ضرر بیشتر و مستمر جلوگیری می‌شود و اقدامی نیز در راستای اعاده‌ی وضعیت زیان‌دیده صورت نمی‌پذیرد. به هر حال، این موضوع در برخی مواد قانونی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در ماده‌ی ۸ قانون مسئولیت مدنی به این شیوه توجه شده است. در این ماده آمده است: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریان کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید.» از این ماده استنباط می‌گردد که، قانونگذار در مقام بیان جبران خسارات وارده به اعتبارات و حیثیت تجاری یا حرفه‌ای می‌باشد.

این روش جبران خسارت، بیشتر در چارچوب خسارات مادی می‌گنجد و تن‌ها موارد نادری از خسارات معنوی را شامل می‌شود. البته، این ماده شرایطی را مورد توجه قرار داده است. به این صورت که اولاً؛ در اثر تصدیقات یا صدور گواهی‌های غیرقانونی یا نشر مطالب خلاف واقع، حیثیت و آبروی کسی در معرض تجاوز قرار گرفته باشد. ثانیاً، ضرری به شخص از این طریق وارد شده باشد ثالثاً، از طریق موقوف نمودن عملیات مزبور بتوان رفع خسارت نمود. این شیوه‌ی



پیشگیری از ایراد زیان دارای سابقه‌ی فقهی است. مثلاً، در واقعه‌ی سمره^۱ علیرغم خسارات معنوی مسلمی که به لحاظ بی‌حرمتی به حریم منزل شخص شاکی وارد شده بود، در متن حدیث هیچ‌گونه بیانی بر تعیین شیوه‌ی جبران این خسارت نشده است و رسول گرامی اسلام (ص)، تن‌ها با صدور دستور قطع درخت رفع خسارت نموده‌اند.

عذر خواهی

عذر خواهی، در واقع به دنبال اظهار پشیمانی از عملی صورت می‌گیرد که شخص قبلاً مرتکب شده است و به طور معمول همراه با بخشش است. در عالم واقع، ممکن است خساراتی که جنبه‌ی مادی ندارند به اشخاص وارد شود. این‌گونه خسارات ممکن است تن‌ها با یک عذر خواهی جبران شود. برای نمونه، ممکن است مأمورین اجرای احکام یا مدیر اجرا، در جهت اجرای حکم، اقدام به اعمالی نمایند که در واقع خلاف اصول و قواعد اجرا باشد. مثلاً، به جای توقیف مال محکوم علیه به اشتباه مال شخص ثالثی را توقیف کنند. در همان لحظه ثالث با ارائه‌ی مدارک متقن اظهار نماید که مال مزبور متعلق به اینجانب است و دادورز اجرا ضمن مذاکره متوجه اشتباه خود شود اما، به علت اینکه توقیف مال مورد نظر در دید عموم صورت گرفته است تا حدودی به اعتبار شخص ثالث خدشه وارد شود. در این مورد، تن‌ها با یک عذر خواهی در برابر دیدگان عموم، اعتبار شخص اعاده می‌شود.

اعاده‌ی حیثیت

اعاده در لغت به معنای اعطاء، بازگرداندن، رجعت، جبران کردن و برگرداندن است. حیثیت نیز به معنای آبرو، اعتبار، حقوق و شخصیت می‌باشد.^۲ در اصطلاح حقوقی گفته شده؛ اعاده‌ی حیثیت عبارت است از جبران تمامی ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از هتک حیثیت افرادی که قربانی اشتباهات قضایی گردیده یا محکومیت قضایی یافته‌اند و رفتارشان در طول زمان به نحوی

^۱ موسوی بجنوردی، حسن، قواعد فقهیه ج. ۱، قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۱، ق، ص ۶۳.

^۲ گلدوزیان، ایرج، با بسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸، چاپ سوم، ص ۱۳۴.



بوده که عدالت و انصاف اقتضای آن را دارد که آثار محکومیت کیفریشان محو شود.^۱ این معنای خاص اعاده‌ی حیثیت است اما، در معنای کلی و عام اینگونه تعریف شده: «اعاده‌ی حیثیت به مفهوم اعاده یا بازگرداندن وضع افراد از باب تنزل حیثیت و موقعیت اجتماعی ناشی از طرح شکایت ناروا به حالت سابق است. به عبارت روشن‌تر، با این اقدام کوشش می‌شود که آبروی از دست رفته‌ی شخص در افکار عمومی یا در جمع خاص، به صورت مجدد احیا شود و با اثبات بی‌گناهی وی، موقعیت اجتماعی زیان‌دیده به حالت اولیه برگردد.»^۲ مشاهده‌ی می‌گردد که مفهوم کلمه‌ی «اعاده» در تعریف فوق کاملاً گنجانیده شده است.

پرداخت نقدی

همان‌گونه که در ابتدای بحث ذکر شد، از نظر قانونی امکان مطالبه‌ی خسارت در امور معنوی امکان پذیر است اما، میان حقوقدانان در خصوص ضرورت جبران خسارت معنوی به شیوه‌های مختلف از جمله پرداخت نقدی، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که نه تن‌ها تقویم خسارت معنوی به پول، دشوار و با مشکلاتی همراه است بلکه به نوعی اهانت به شخصیت بزه دیده تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر نمی‌توان زیان وارد به اعتبار شخصی که آبرو و حیثیت برایش مهم است، با پول جبران نمود زیرا، پرداخت نقدی نمی‌تواند آبرو و حیثیت از بین رفته را زنده و احیاء نماید. در مقابل، موافقان به جبران نقدی خسارت معتقدند؛ جبران خسارت معنوی با پول گرچه نمی‌تواند برگشت دهنده‌ی آبرو و حیثیت یا اعتبار از دست رفته باشد اما راهی برای تسکین آلام و تامین خرسندی معنوی بزه دیده به شمار می‌رود و پرداخت نقدی به زیان دیده راه دستیابی به این اهداف را هموار می‌سازد، به علاوه اینکه قانون اساسی نیز مطالبه‌ی خسارت معنوی را پذیرفته است.

^۱ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه فارسی، چاپ اول، ج اول، ص ۲۴۳.

^۲ راهکارهای اعاده حیثیت در محاکم کیفری، روزنامه حمایت، ۹۲/۳/۱ قابل دسترسی در تارنمای:



جبران خسارت مادی

عمده‌ی خسارات در مسئولیت مدنی، به صورت مادی و مالی است. قانونگذار نیز به جهت این غلبه، بر روش‌های جبران خسارت مادی تصریح و تأکید بیشتری داشته است. جبران خسارات مادی در قوانین موضوعه، خصوصاً قانون مدنی، در مواد ۳۱۱، ۳۱۲ و ۳۱۷ و برخی از مواد دیگر این قانون مشخص شده و ترتیبی برای جبران خسارات زیان‌دیده در نظر گرفته شده است. در این بحث، به ترتیب مقرر در قانون مدنی، طرق جبران خسارات وارده بر زیان‌دیده مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است شیوه‌های جبرانی که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد، مختص مسئولیت قهری است اما در مسئولیت قراردادی نیز در مواردی که در قرارداد روش جبران تعیین نشده، اعمال می‌گردد.

استرداد عین

قوانین موضوعه در خصوص نحوه‌ی جبران خسارت مادی برخلاف خسارت معنوی، رویه‌ای واحد پیش گرفته‌اند. البته، رویه‌ای که اکنون بسیار ساده و ابتدایی است و بعضاً مشاهده می‌شود که دادگاه‌ها از این رویه به علت متروک بودن آن استفاده نمی‌کنند. مواد ۳۱۱، ۳۱۲ و ۳۱۷ قانون مدنی این گونه مقرر می‌دارد: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد.» «هرگاه مال مغضوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد.» «مالک می‌تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند.» نیز، ماده‌ی ۲۲۸ در باب اتلاف مقرر شده: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل و یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»



همچنین، ماده‌ی ۳۳۱ قانون مدنی در باب تسبیب مقرر نموده «هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص و قیمت آن برآید» با ملاحظه‌ی نحوه جبران خسارت در قواعد کلی ضمان آور در قانون مدنی، مشخص است که قانونگذار در همه‌ی آن‌ها رویه‌ی واحد مد نظر داشته است. توضیح این که در مورد خسارت وارد به مال دیگری، سه حالت پیش می‌آید. حالت اول این است که مال وجود دارد. در این صورت، وارد کننده‌ی زیان باید عین مال را پس بدهد. حالت دوم این است که مال تلف شده است. حال اگر مال تلف شده مثلی باشد، وارد کننده‌ی زیان باید مثل آن را بدهد و در غیر این صورت، باید قیمت آن را بپردازد. حالت سوم زمانی پیش می‌آید که مال تلف نشده، اما قابل دسترسی نیست. در این صورت، باید بدل مال پرداخت شود.^۱ این بدل در فقه اسلامی و حقوق ایران به بدل حیلوله معروف است.

دادن مثل مال

خساراتی که در نتیجه‌ی عمل زیانبار وارد می‌شود، ممکن است به گونه‌ی ای باشد که مال موضوع خسارت را از بین ببرد یا اینکه آن را در حکم تلف قرار دهد. در این صورت، قطعاً استرداد عین مورد معامله غیر ممکن است. مثلاً؛ اگر حکم دادگاه تخلیه‌ی منزلی مسکونی باشد اما در جریان اجرای عملیات تخلیه محکوم علیه اقدام به پرت کردن کولر آن از بام ساختمان به داخل حیاط نماید، در این نوع خسارت به جهت اینکه عین موضوع خسارت در حکم تلف بوده و امکان تعمیر آن نیز وجود ندارد، عامل زیان موظف است مثل آن را خریداری و به صاحب خانه (محکوم له) تحویل نماید. لذا، اولین فرضی که وارد کننده‌ی زیان می‌بایست اقدام به جبران خسارت به صورت مثلی نماید، زمانی است که عینی از آن مال به جا نمانده یا در حکم تلف باشد. دومین فرضی که می‌توان به منظور جبران خسارت در نظر گرفت، زمانی است که برگرداندن عین مال باعث خسارت جسمی به شخص مسئول یا سایر افراد جامعه گردد.^۲ نیز، در صورتی که

^۱ عمیدزنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲.

^۲ باریکلو، پیشین، ص ۶۵.



بازگرداندن عین مال موجب ایجاد خسارت و ضرر به مال گردد و احتمال از بین رفتن مال موجود باشد. در این صورت نیز، بایستی حکم رد عین مال تعدیل و به روش دوم تغییر یابد. همچنین، اگر ماهیت و نوع مال در اثر تغییراتی که در آن ایجاد می‌شود قابل برگشت به حالت اولیه نباشد، دیگر نمی‌توان دستور رد عین مال را صادر کرد. در این حالت، مال در حکم تلف بوده^۱ و حکم به بازگرداندن عین مال صادر نمی‌شود و جبران زیان به روش دیگری صورت می‌گیرد. بنابراین، چنانچه در جریان اجرای حکم، به مال زیان‌دیده خسارتی وارد شود که دیگر نتوان عنوان مال را بر آن اطلاق کرد، زیان‌دیده باید از طریق دیگری جبران خسارت نماید.

پرداخت قیمت

همانگونه که در بند قبل نیز به صورت پراکنده گفته شد، قیمت مال در صورتی موضوع حکم دادگاه قرار می‌گیرد که اولاً؛ امکان استرداد عین مال وجود نداشته باشد ثانیاً؛ مال مورد نظر عرفاً مثلی نباشد یعنی، نتوان مثل آن را به صورت متعارف یافت نمود. در این صورت، عامل زیان باید از عهده‌ی قیمت مال مورد خسارت برآید. در خصوص قیمی بودن مال موضوع خسارت نیز، مطابق با ماده‌ی ۳۱۲ قانون مدنی، روز پرداخت خسارت مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. برای مثال، در قسمتی از دادنامه‌ی شماره‌ی ۶/۳۰۲ مورخ ۷۵/۷/۱۲ شعبه‌ی ششم دیوان عالی کشور در خصوص دعوی شرکت... علیه وزارت راه و ترابری سابق، مبنی بر اعاده‌ی عین، مثل یا قیمت ماشین آلات راهسازی آمده است: «... دادگاه بنا به مراتب با اعلام بطلان صورتجلسه‌ی مورخ ۶۵/۴/۲۶، با قبول دعوی مطروحه و مستنداً به ماده‌ی ۳۲۳ قانون مدنی، حکم به الزام خواندگان به استرداد عین ماشین با قیمت ۷۳ قلم ماشین آلات مختلف به شرح لیست مورخ ۶۵/۱/۱۸ منضم به صورتجلسه‌ی مورخ ۶۵/۴/۲۵ و صورت ارزیابی منضم به نظریه‌ی هیئت سه نفری کارشناسان به شماره‌ی ۷۱/۱۰/۲۹۴۱۹۵ صادر می‌نماید. بدیهی است، در صورت عجز خواندگان از استرداد عین یا مثل هر یک از اقلام فوق الذکر، قیمت آن به میزانی که در نظریه‌ی مذکور آمده است، بایستی در حق خواهان پرداخت شود. مضافاً، خواندگان محکومند مبلغ ۳۴۰/۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت اجرت

^۱ مدنی، جلال‌الدین، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار، ص ۳۰۷



المثل ماشین آلات مورد نظر از تاریخ ۶۵/۴/۲۶ لغایت ۷۱/۴/۲۴ در حق خواهان پردازند و نیز خواندگان محکومند من باب قاعده‌ی تسبیب مبلغ ۱۴/۶۳۲/۳۰۴ ریال بابت خسارات و هزینه‌های دادرسی در حق خواهان پردازند.» مشخص است که قیمت ارائه شده در نظریه‌ی کارشناسی، مطابق با قیمت روز تقویم گردیده است و نتیجتاً می‌توان به این امر معتقد بود که ارزیابی باید به نرخ روز پرداخت صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

ورشکستگی برخی از صندوق‌ها و مؤسسات بانکی خصوصی در طول سال‌های گذشته، نگرانی‌هایی را در برخی از اذهان عمومی در خصوص ریسک سپرده‌گذاری در چنین مراکز و نهادهایی ایجاد کرده است. وظیفه بانک مرکزی، نظارت بر عملیات بانکی است و نسبت به فعالیت آن‌ها هشدارهای لازم را می‌دهد تا مدیران بانک‌ها به نحوی تصمیم‌گیری و اقدام کنند که سپرده‌های مردم قابل بازیافت باشد تا این سپرده‌ها در حاشیه امنیت قرار گیرند و از آن‌ها صیانت شود. نگرانی‌ها در خصوص بانک‌های دولتی به مراتب پایین‌تر از بانک‌ها و مؤسسات مالی خصوصی است اما به هر ترتیب بروز برخی مشکلات و رخدادهای تلخ در خصوص مؤسسات پولی و صندوق‌هایی که متأسفانه به نام ائمه نیز مزین شده بودند منجر به ایجاد تردیدها و نگرانی‌هایی در میان برخی از مردم شده که این موضوع در شأن نظام اقتصادی ایران نیست و باید پیش از بروز چنین بحران‌ها و چالش‌هایی نسبت به اتخاذ تدابیر مؤثر، مقتضی و فوریت‌دار اقدام شود که قطعاً نتیجه آن در ارتقای آرامش و اطمینان بخشی عمومی در ارتباط با سپرده‌گذاری در بانک‌ها ملموس و مشهود خواهد بود. اگرچه قوانین فعلی کشور مسئله ورشکستگی مؤسسات مالی را به‌طور خاص مورد توجه قرار داده‌اند، اما به نظر می‌رسد کماکان زیرساخت‌های حقوقی و نهادی کشور از خلأهای جدی در این حوزه رنج برده که این مسئله تدوین یک قانون جامع ورشکستگی در حوزه بانکی در کشور را ضروری می‌سازد. به‌طور خاص یکی از چالش‌های قانون کنونی عدم تعریف دقیق مفهوم ورشکستگی است. قانون تجارت با اکتفا به عبارت مبهم «توقف در پرداخت دیون» در تعریف ورشکستگی عملاً تنظیم‌گر بخش بانکی را در تعیین مصادیق ورشکستگی دچار



مشکل نموده است. ضمن آنکه تعریف ورشکستگی بر مبنای نکول از بازپرداخت بدهی ممکن است منجر به ورشکستگی برخی از مؤسسات مالی دارای تراز مثبت گردد که به دلیل ذات فعالیت‌های مالی در برهه‌هایی با کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند.

منابع و مآخذ

- شونر، هیدی ماندانیس و تیلور، مایکل، (۱۳۹۲)، مروری بر ادبیات نظری ورشکستگی بانک‌ها، تازه‌های اقتصاد ترجمه حمید قنبری، سال دهم، شماره ۱۴۰، ص ۴۱ تا ۴۴.
- عبدی‌پور، ابراهیم، (۱۳۹۲) (الف)، تحولات حقوق ورشکستگی و بایسته‌های فقهی آن، دین و قانون، شماره ۱، ص ۴۷ تا ۷۲.
- هرت، الیور، (۱۳۸۶)، رویکردهای مختلف به ورشکستگی، ترجمه کوروش کاویانی و شاهین شامی اقدام، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۰ و ۴۱، ص ۷۳ تا ۹۰.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- غمامی، مجید، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، اعمال حقوقی (قرارداد، ایقاع)، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، شرکت انتشار ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، انتشارات بهنشر، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸، چاپ سوم.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- مدنی، جلال الدین، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، چاپ هشتم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.

مسئولیت مدنی بانک‌های ورشکسته در قبال بدهی‌ها و سپرده‌های مردم* دکتر علی رستمی، مهدی غلامی سرتنگ



۲۲۲

منابع لاتین

- Books
- Braschi, (p), La prescription en droit de la responsabilite e, these Aix-Marseille (d.) ۱۹۹۵ .
- Brun (a), Rapport et domains respectifs des responsabilites contractuelle et dilictuelle cite par Viney ۱۹۹۵ .
- Carbobonnier'Alian. Droit des obligations. ۲ ed. Paris. Universitaires